

اما در پایان مجلس، من از هیأت‌ریسه مجلس، مرخصی یک ماه و نیمه گرفتیم تا بدون مشکل شرعی و قانونی، فیلمی بسازم. گفتم البته داخل صحن هستیم، اما چون درگیر کار دیگری هستیم و به لایح وین‌آین‌ها نمی‌رسیم، پس مرخصی می‌خواهم. آقای سبحانی‌نیا، عضو هیأت‌ریسه گفتند که ممکن است گاهی از حد نصاب بقیتم و حضور شما لازم است. من گفتم: هستم ولی مشغول ساختن فیلمی درباره مجلسی در این مدت - یعنی روزهای آخر مجلس هفتم و ابتدای مجلس هشتم - چهار مستند ساختم. با استفاده از دو دوربین در قسمت تماشاچیان و یک دوربین روی دست خودم بین نماینده‌ها، فیلمبرداری کردم. یک مجموعه چهار قسمتی (شامل تصوری‌هایی از داخل مجلس و مصاحبه‌هایی در خارج صحن - که برخی بعد از پایان دوره نمایندگی‌ام انجام شده بود) برای پرس‌تی‌وی ساخته به نام «Iranian Parliament»

مستند «اقلیت - اکثریت» شما را در جریان جشنواره سینما حقیقت در سینما فلسطین دیدم، از خنده‌های تماشاچیان در طول فیلم، به‌خصوص در هنگام عکس‌العمل‌های محمدرضا باهنر - عضو هیأت‌ریسه مجلس - که بگذریم، همه از فیلم راضی بودند و شما را هم به‌شدت تشویق کردند. اگر موافقت، بحث را از همین مستند شروع کنیم.

به طول دوران نمایندگی مردم تهران در مجلس هفتم، من هیچ فیلم مستندی نساختم بودم، و همه مشغلم نمایندگی بود. برخلاف آقایان چند شغله که آن‌زمان مرسوم بود، برخی استاد دانشگاه بودند، برخی عضو هیأت‌مدیره شرکت‌های مختلف ... من اما نمایندگی را شغل نمی‌نامم، بلکه معتقدم بزرگ‌ترین وظیفه نماینده‌هاست. در این مدت مسئولیت نمایندگی خودم هم، هیچ مرخصی هم نگرفته بودم و چون منزل‌مان هم نزدیک مجلس بود و هست، لذا پیاده تا آن‌جا می‌رفتم و همیشه هم همان‌جا بودم.

اما در پایان مجلس، من از هیأت‌ریسه ساختمان و به اولین دوره جشنواره سینما حقیقت‌دامم که نمایش داده نشد، دوره بعد هم داده و نمایش داده نشد. در حالی‌که من خودم در آن‌زمان عضو هیأت‌امناه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی (منوی)م بودم. برگزاری جشنواره بودم، ولی نمی‌خواستم از رات استفاده کنم. لذا وقتی رییس شورای نظارت ارشاد - آقای دکتر اربابی - اجازه

در همین

- در طول دوران نمایندگی مردم تهران در مجلس هفتم، من هیچ فیلم مستندی نساختم بودم، و همه مشغلم نمایندگی بودم. با توجه به برخورد بدی که با «اقلیت - اکثریت» شد، به این نتیجه رسیدم که الان زمان مناسب برای ساخت مستند اصلی (تفصی در ۷/۹) فرا نرسیده است
- ما کشوری هستیم سرشار از منابع و دارای ملتی وفادار و انقلابی که فقط ضعف مدیریت داریم
- من تمام حرف‌هایی را که باید می‌زدم پنج سال پیش زدم. می‌گفتم شعارها و تابلویی که دکتر احمدی‌نژاد بلند کرده، درست است! اما این‌هایی که پیرامون ایشان هستند این مدلی نیستند و برخی‌شان حتی با شعارهای ایشان مخالفند.

سعید ابوطالب، چهره نام‌آشنای سینمای مستند و سیاست‌مجلس هفتم است که این روزها اگرچه دیگر علاقه‌ای به ورود رسمی به سیاست نشان نمی‌دهد، اما هنوز هم مستندهای سیاسی می‌سازد. گفت‌وگوی ما با سعید ابوطالب به بهانه مستند «اقلیت - اکثریت» و روایت مستند او از مجلس هفتم است.

پخش نداد، دخالتی نکردم. گفتند باید چند جایش اصلاح و حذف شود و من هم قبول نکردم

در این مستند، تنها سوالات محدودی از نماینده‌ها پرسیده بودم. اول این‌که «شما اقلیت هستید یا اکثریت؟» ولی در

رأش‌های «تفصی در ۷/۹» بعد از جواب این سؤال، سوالات بسیار جدی پرسیدم. این‌که «حظرتان درباره هیأت‌ریسه مجلس چیست؟»، «حظر در مورد نمایندگی چیست؟»، «در انتخابات بعدی رأی آورده‌ای یا نه؟»، «چرا رأی نیاوردی؟»، «ظرت را راجع استیضاح چیست؟»، «شما کروی یا نه؟»، «چرا امضایات را پس گرفتی؟» و... همین‌طور رازنی‌ها و لای‌های گوشه و کنار مجلس و چانه‌زنی‌هایی که با هیأت‌ریسه دارند. بسیاری این‌که نشان بدهم عده‌ای هستند که با سوءاستفاده از خلاً این نامه‌های داخلی، هر کار لاش‌خوانده در مجلس می‌کنند. تنها هر چاره‌شان هم این است که تمام در خواست‌ها، لایح و طرح‌ها به‌صورت کاملا علنی در نمایش‌گرهای مجلس نشان داده شود تا همه بداند که چه‌کسی استیضاح را امضا کرده و چه‌کسی پس گرفته. نماینده‌ها هم نسبت به امضا و عملکرد خودشان پاسخگو باشند.

«اقلیت - اکثریت» را ابتدا در سالن کوچک مرکز گسترش برای نماینده‌های مجلس هفتم و هشتم نمایش دادم، دعوت‌شان کردم و خیلی‌هایشان هم آمدند و دیدند. اکثرها هم خوش‌شان آمد، به جز یکی دو نفر. اما با توجه به برخورد بدی که با «اقلیت - اکثریت» شد، به این نتیجه

روایت سعید ابوطالب از مجلس هفتم و مستند «اقلیت - اکثریت»

سیاست مصرف‌کننده محصولات رسانه‌ای است

رضا شامی

و گفتم که مشکل اصلی دولت؛ «قانون گریزی»، «ریا» و «دروغ» است. که این تیتیر شد و اول به‌جایبارک کشید. خیلی از دوست‌انام کارگر بعد از این مصاحبه به من حمله کردند و گفتند که دو تیرگ نماینده نیستی و مصونیت نداری من هم گفتم که چون حالا نماینده نیستم، به‌عنوان یک مستندساز یا شهروند عادی، اتفاقا ازادانه‌تر حرف می‌زنم. در هر حال، کردانیسم، همین سه عنصر دروغ، ریا و قانون‌گریزی است. اگر کردان رأی می‌آورد و وزیر می‌ماند، این مستند پخش می‌شد و تأثیر خودش را در نقد دولت می‌گذاشت. اگر هم رأی نمی‌آورد

و زنده می‌ماند، تأثیرگذار بود. بعضی مستندها هستند که هم ساخت‌شان زمان‌بر و هم مشکل است و نمایش‌شان، مثلا مستند «شما مسعود» یک انگلیسی درباره‌احمدشاه مسعود ساخته و تلویزیون ایران هم با قیمت بالایی خرید مستند پخش می‌شد و تأثیر خودش را در وقت برده بود. که اگر مسعود شهید نمی‌شد، شاید حالا حالاها به نمایش در نمی‌آمد و اهمیت پیدا نمی‌کرد. یا کار محمدحسین جعفریان در همین باره.

در هر حال، هنوز زمان نمایش این مستند نرسیده است، به‌دلیل واکنش‌های تندى که نشان خواهند داد. کما این‌که من کمتر از این هم واکنش می‌دهند. مثلا من در همین مستند از یکی از نمایندگان امضاکننده‌استیضاح‌وزیربازرگانی می‌پرسم، چرا امضایات را پس گرفتی؟ می‌گوید وزیر به من قول داد که در زمینه‌قند و شکر به شهر من کمک کند که مثلا کارخانه‌نم‌نم و این‌ها هم امضایم را پس گرفتیم. به همین‌راحتی! حالا بنظر شما ممکن است چنین چیزی را نمایش دهیم و عده‌ای اعتراض و شکایت نکنند؟

آقای ابوطالب، شما در حوزه سیاسی فعالیت کرده‌اید، نخست مستند سیاسی دوم فعالیت مستقیم سیاسی در مجلس. امروز، کدام بیک را ترجیح می‌دهید؟

من رساله را بر سیاست ترجیح می‌دهم. روغتی برای انتخابات و مجلس ندارم. معتقدم سیاست، مصرف‌کننده محصولات رسانه‌ای ماست، ما با کارهای رسانه‌ای‌مان افکار عمومی را شکل می‌دهیم. تا آن‌ها کنش سیاسی کنند. لذا کار ما بر کار سیاسی‌ان اولویت دارد. دلیلش هم این‌ست که اکثر رسانه‌ای می‌تواند کار یک‌نفره هم باشد، شما با یک دوربین می‌توانید هر واقعه تاریخی یا هر موضوعی را ثبت کنید. اما کار سیاسی، یک نفره نیست. باید یک عده همفکر و همراه و هم قسم باشند تا بتوانند در فضای سیاست کار مؤثری انجام دهند. اگر قرار باشد در مجلس اتفاق نازمی بیفتد و تحولی رخ دهد، باید حدود ۴۰ نفر که مبانی فکری مشترک دارند، مستقل از بازی‌های سیاسی، شجاع و امین باشند، به ولایت قبلی و نظام اعتقاد داشته باشند، وارد مجلس شوند تا آن‌چنان که خواسته‌امام و رهبری بوده و

قانون مشخص کرده، تأثیرگذار باشند. در دولت هم همین‌طور، اگر یک تیم معتقد، دلسوز و همفکر، سازگار با مجلس و البته با تجربه باشند، می‌توانند تأثیر بگذارند. اما مجلس هم‌تیرن قوه کشور است و می‌تواند همه امور کشور را بهبود دهد. این اتفاقی است که فقط در مجلس اول و دوم که نیروهای انقلابی و چهره‌های شاخص نظام مثل مقام معظم رهبری در مجلس بوده‌اند، تا حدودی محقق شده است، مثلا در استیضاح بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری. ما کشوری هستیم سرشار از منابع و دارای ملتی وفادار و انقلابی که فقط ضعف مدیریت داریم. اگر این اتفاق رخ دهد، می‌توان به حضور در سیاست امیدوار بود. اما آن‌چه امروز می‌بینیم این است که مجالس ما هر بار بدتر از قبل بوده و ضعیف‌تر عمل کرده است.

یعنی مجلس نهم هم از هشتم بدتر خواهد بود؟

هنوز که نمی‌شود اظهارنظر کرد، اما

جدیدى از نظام سیاسى را که متعلق به مردم ما و انقلاب ماست ارائه کرده‌ایم که با گذشت ۲۰ سال، در زمان طفولیت به‌سر می‌برد و امتحانات مختلفی را باید پشت سر بگذارد. تمام این اتفاقات، تمام این تغییر قوانین انتخابات و چهارچوب‌ها... طبیعی است، چراکه تمدن اسلامی ما در حال شکل‌گیری و تثبیت است.

مدتی است که چندان حضوری در عرصه رسانه و سیاست ندارید.

من تمام حرف‌هایی را که باید می‌زدم پنج سال پیش زدم. می‌گفتم شعارها و تابلویی که دکتر احمدی‌نژاد بلند کرده، درست است! اما این‌هایی که پیرامون ایشان هستند این مدلی نیستند و برخی‌شان حتی با شعارهای ایشان مخالفند. من خودم در جاهایی که با دولت موافق بودم، حمایت کردم، مثلا تنها نماینده‌ای بودم که از آقای صفاغی ارشدان وزارت ارشاد دفاع کردم و چون عضو کمیسیون ملک شکایت کسی باشد، اما شکایت انجام

من اوایل مجلس هشتم که دیگر نماینده نبودم، مصاحبه‌ای داشتم با یکی از سایت‌ها و گفتم که مشکل اصلی دولت؛ «قانون گریزی»، «ریا» و «دروغ» است. که این تیتیر شد و کار به‌جایبارک کشید

تاکنون که چنین بوده، البته خود مجلس منصرف است. این‌هم برمی‌گردد به عدم وجود نظام حزبی در کشور ما، من نمی‌گویم که حتما ما حزب لازم داریم، به معنای احزابی که در غرب هست. حرف من این است که یا تعریف جایگزین مناسبی از یک ساختار متناسب با انقلاب بدهید که از فرد گروایی و کجروی جلوگیری شود و یا این‌که همان ساختار حزبی مرسوم را پیاده کنید. مثل مجلس هشتم نباشد که به محض استقرار نماینده‌ها، ۱۰ تا فراکسیون اصول‌گرا تشکیل شد یا الان که نزدیک انتخابات است و این همه احزاب و ائتلاف فصلی شکل گرفته.

ببینید ما الان در حال تجربه مردم‌سالاری دینی هستیم، این جمله مقام معظم رهبری است که من خیلی به آن معتقدم. ما شکل فرهنگی بوم و نظرم نظر کمیسیون تلقی می‌شد، در رأی اعتماد ایشان بسیار مؤثر بود. طبیعتا با بعضی افراد هم مخالف بودیم. ما همان موقع فهمیده بودیم که ما همان موقع فهمیده بودیم که این جریان‌ها که با اصول گروا می‌نامیم، خودش خودش را اصول‌گرا نمی‌نامد، یعنی افسردگی آقای جوانفکر، مشایخ، قباچی، شریف ملک‌بازده و... می‌گفتمیم که ابراداتی به این‌ها وارد است که به همین دلیل خطرناکند. بر سر همین اساس طفنی از اصلاح‌طلبان را که به ولایت فقیه و انقلاب اعتقاد

■ ما الان در حال تجربه مردم‌سالاری دینی هستیم

داشتند، قابل تحمل و مفیدتر برای منافع کشور می‌دانستیم، اما این‌ها را نه، لذا از همان سفر اول مشایخی که با جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس ملاقات کرده بود تا قاجاق عتیقه و حضورش در مراسمی که به ایشان ربطی نداشت و حتی گاهی وهن و نظام بود - مثل مجلس رقص ترکیه- و مسائل دیگر مثل سخنرانی‌هایش راجع به امت و امامت و این‌ها را لیست کردیم. داخل کمیسیون فرهنگی بر اساس آن‌ها نامهای انتقادی راجع به سازمان گردشگری و میراث فرهنگی خطاب به رییس‌جمهوری نوشتیم، اعضا اصلاح کردند و آقای افروغ، به‌عنوان رییس کمیسیون امضا کرد، که آقای انتقادی راجع به سازمان گردشگری و میراث فرهنگی خطاب به رییس‌جمهوری نوشتیم، اعضا اصلاح کردند و آقای افروغ، به‌عنوان رییس کمیسیون امضا کرد، که آقای رییس‌جمهوری به هوش بیاید. اما ایشان توجهی که نکرد هیچ، نامه را به خود آقای مشایخ داد و او هم دو سه هفته بعد بر اساس متن نامه محرمانه مجلس، از من و آقای افروغ شکایت کرد. در حالی‌که اول‌ا ما نماینده مجلس و آقای صفاغی ارشدان وزارت ارشاد و ضمننا نامه محرمانه مجلس نمی‌توانست ملاک شکایت کسی باشد. اما شکایت انجام

شد و من دادگاه رفتم، البته من هم در آن دادگاه و هم در دادگاهی که ملکزاده از من شکایت کرده بودم، متقابلا شکایت کردم.

و چون بیوزر شدم از شکایت صرف نظر کردم چون قصد انتقام‌گیری نداشتم و بنا به وظیفه نمایندگی‌ام ایسن تقدیر از انجام می‌دادم □

